

بازدید: ۷۰۰۰

کمال شدہ اس کے مصروفی
حر الائٹن جب و تناہر اس
عوام فریانہ لذارا نہ
جھ کئے سارے جمیں بے وزاب
داری کی تھی۔ ہر چیز اسی مازمان
تھی اور ایسا حصہ مارے اسی سلے پکار
تھا۔ یا جزوی طور پر جو دستیں کروڑ
بولا منور ہست تکید مکاروں
چے خواہ بود کتاب سکریتوں ہر کس
را چھوڑ کر ریس کردا
ما صحتیں کہ اسی میں خاتا ہو دوں
پرانی صحت سستے کہ اسی میں خاتا ہو دوں
وہی مختصر تھا۔ اگر قریم میر عادل کسکے
اٹکا دوں یا ہے جان کے اگر
درود ایسا لاشیں میں موت کے وہیں
تھے پاہنچ مچ سفری تھیں خوارم وہ
آجا رہوں میر کی فرار دید
تا وقق کا ای از ویچہ ای
کٹور صرف خرد مہماں و
سلاخی ای را کلکی و اکالیں
مشغوف بیان مانہے آڑا فیر دزدان
ویرس سهل خود قسم بیکند
کر یعنی پیکنی ای خوچ
اٹے دوڑت مخصوصو احباء
پالیت دست عمل خاتکاراہی اے
اس کے پایان دشت باتیں مبارکہ خود
اصل دوکت یا خود ماننے خون
فاویں سو باتک این بار میں سامی
شاخوں کے تاکن بیکنیں تباہ دادہ
پا میلار، وسائیں جاکیں بیکنکر۔ غصہ
خوب خواروں کے سامیں سو بات
تیکلی بیٹھے۔ وسادف با ان در ہیں

امیر بالا! گرتو است
با امیج گرفن (زماده از)
کثور های طب نامه و
به ستره سازمانهای
دو گرانش راضخرا طبع
و فرع که و رهان و
سالان آنها مورد تسبیح
و فکره خواهد بوده و در پوش
بر داشته بیست هشت
آزادی این بالا

گران و تعاون پیشان میشتران
مدیریتی و شدید

بـهـرـكـوـنـهـاـسـتـهـاـكـشـدـمـيرـانـ

بادداشت دولت اتحاد شم روی

ساخت ملت ایران می‌بود پس از این روزها دوسته سینه مبارزی باشید
دو لکه مالاچاد خود را بزیرجه از محل
دمونگ کراسی بخنایلی نموده می‌باشد
غارته.

و هد هشت ماهه ایران، راه خود
استقلال و حاکمیت ملت را در سپاهی
عجلان با امیر پالیس آمریکا و انگلستان
و ای ریکار و حکومت است به همایه
برگزای مالاچاد خود را بخنایلی
است که اینها آن را سعادت و نیاز
ایران را با ایصال میکنند بلکه می‌گذارند
حکم ایران برخواران زنگنه می‌خواهدند
ملک ایران جای خود را به اینها می‌گذاشت

در این میان شیوه تجدید نظر
ایرانی عمل آید، راه تایم به
امیر پالیس و اعمال خصوص است
به همایه خوری ماتله که شود
و سک سات خارجی می‌باشد
میتنی بر آزادی و استقلال و
حاکمیت ایران بیتیابی از جمهوری
ملحق دموکراسی و هستی با
پیرو خای آزادی جهانی اتحاد
گزد.

ملت ایران رس انعام این است
می‌رآخد بست خود اجر
چاهد کرد.

مشهود که اکنون بیرون می‌باشد ما و اهالی ایران
که در نوعی شاه ایران نست همان
و شرک سهیان نست ایرانی ایران
دارد با روابط سه مسحواری ایران
و خوشی و فرازداده می‌رسد ۲۶

۱۹۲۱ مصادف است و دو لکه مالاچاد
انتظار دارد که از طرف پیوت ایران
برای وفع و ضعف خود را می‌خواهد و می‌باشد
از زمینه خود آمد کردند.

اشتر داده داشت سایه ما
شور خود را در ساختمان شهرداری ایران
امیر بالیست های خارجی، با هر که
ساخت دو لکه ایران را اینجا می‌باشد
نظاری و سایس خود را در سر از ای
و انتقال ایران را درست است می‌باشد
الحاد خود روی مثل میس بازی کرد و
الکلر خوشی ایران را پیش از پرس رسم
و رفاقت خود را در ساختمان دو لکه است به همایه
دو لکه سوسایپتی شود هنگ کشیده
است میانه از روی شنیده اند هست
حکم ایران را با این دو لکه ایران اینها می‌باشد
می‌باشد ایرانیان در قلاب امیر بالیست
می‌باشد ایرانیان اینها نزد و می‌باشد
طایل سبایه اینها نزد و روابط سه مسحواری
ساکنون در کل صلح و سوسایپم
سایه خوری ما بوده است.

ملت ایران بخوبی می‌باشد که اصال
ساخت سهای است بتوکنگ کردن و ببر و مه
زین کنور های چهل که در میان همان
سایه و در بین سهیان میان تاجه اهالی

مقالات واردہ